

سبک زندگی اسلامی از منظر آیت مکارم شیرازی

محمد علی نظری^۱

چکیده

سبک زندگی مطلق (lifestyle) یا «اسلوب الحیاة»، به معنای مجموعه از کردارهای انسانی است که نیازهای جاری انسان را بر می‌آورد و وجهه خاصی از او در برابر هم‌نوعانش روایت می‌کند؛ اما سبک زندگی اسلامی یا حیات طیبه، مدل زندگی مبتنی بر ایمان و عمل صالح است که از اهتمام به بایدها و نبایدهای دینی سرچشمه می‌گیرد. برآیند این مدل زندگی که از فرد و خانواده شروع می‌شود، ساختیابی جامعه‌ای مقتدر با آرامش، امنیت، رفاه، صلح و تعاون است. بنابراین برای تحقق جامعه این چنینی، تبیین سبک زندگی اسلامی در زمان کنونی یک ضرورت پژوهشی است؛ زیرا اکنون عوامل، زمینه‌ها و انگیزه‌های ابتدال از هر زمانی فراوان‌تر شده است. این تحقیق بر مبنای همین ضرورت و با هدف تبیین و تحلیل زمینه‌ها، شاخصه‌ها، ارکان و عوامل شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی و راهبردهای تحقق آن، در اندیشه علامه مکارم شیرازی با روش تحلیلی و توصیفی صورت گرفته است تا پاسخی برای پرسش از ماهیت سبک زندگی اسلامی بر مبنای اندیشه ایشان ارائه داده باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سبک زندگی اسلامی نه تنها عامل نجات جوامع بشری از کمند ابتدال و ردایل اخلاقی مبتنی بر اندیشه سکولاریستی است، بلکه به دلیل منشأ وحیانی داشتن و سازگاری با نیازهای فطری بشر، این ظرفیت را دارد که با سازه‌های آن یک تمدن نوین مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انسانی شکل بگیرد و عینیت بیابد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، مکارم شیرازی، توحید محوری، هدایت وحیانی، تمدن اسلامی.

۱. گروه فقه و معارف، مجتمع آموزشی عالی فقه، جامعة المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان. mohsenyali8@gmail.com



مقدمه

در باب سبک زندگی، هم در اندیشه مدرن و هم در تفکر اسلامی، سخن فراوان گفته می‌شود؛ اما سبک زندگی در سپهر اندیشه اسلامی بسیار متفاوت از آن چیزی است که در ادبیات سکولار به این اسم خوانده می‌شود. تمایز این دو نوع نگاه به سبک زندگی، از تفاوت در اصول بنیادینی ناشی می‌شود که طرز تلقی انسان‌ها از جهان، انسان و زندگی را شکل می‌دهد؛ زیرا پاسخی که به پرسش از چیستی سبک زندگی داده می‌شود، تابع نوع پاسخ‌هایی است که به پرسش از هستی، انسان، هدف زندگی و مانند آن داده می‌شود. پرسش‌هایی از این دست که آیا هستی خودبنیاد است یا ناشی از یک مبدأ متعالی؟ انسان چه نقش و جایگاهی در عالم دارد؟ آیا مرگ پایان هستی انسان است یا حیات انسان پس از مرگ ادامه می‌یابد؟ آیا انسان قادر است با استمداد از توانایی‌های عقلانی خود مسیر تکامل را طی کند یا این که به هدایت ربانی نیز نیاز دارد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست هرچه که باشد، در تعیین اهداف، کمال مطلوب‌ها و انتخاب سبک زندگی آدمیان تأثیر بنیادین خواهند داشت. این نوشتار سبک زندگی اسلامی را در منظومه فکری علامه مکارم شیرازی مورد بحث قرار می‌دهد و تلاش شده است که از منظر ایشان، به پرسش‌های در باب ماهیت، مبانی نظری، عوامل شکل‌گیری، کارکردها و راهبردهای مهم تحقق سبک زندگی اسلامی پاسخ داده شود.

۱. مفاهیم

۱-۱. سبک زندگی

برای مفهوم «سبک زندگی» در انگلیسی معادل لایف‌استایل (lifestyle) و در عربی معادل‌هایی همچون «اسلوب الحیاة»، «اسلوب العیش»، «نمط الحیاة» ذکر شده است. (فعالی، ۱۳۹۶: ۴۷-۵۳) در علوم اجتماعی هنوز این اصطلاح از صراحت مفهومی برخوردار نیست و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. به گفته آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معاصر «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع



از کردارها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازند». (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰)

۲-۱. سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی در اندیشه علامه مکارم، معادل «حیات طیبه» (نحل: ۹۷) به کار رفته است. حیات طیبه عبارت است از سبک زندگی مبتنی بر «ایمان» و «عمل صالح» که نتیجه آن ساخت‌یابی جامعه‌ای قرین آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و دیگر مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها، انحرافات و درد و رنج‌های که بر اثر ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید، در امان است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۱: ۳۹۰)

مفهوم حیات طیبه، دلالت وسیعی دارد؛ به طوری که همه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و ناظر به اعمال و انتخاب‌هایی است که از هر نظر پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، نگرانی‌ها و اموری است که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد. (مکارم، ۱۱: ۳۹۴) در یک بیان کوتاه، سبک زندگی اسلامی، همان شیوه زیستن در زی عبودیت است. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۱۰۴؛ مکارم، ۱۴۲۸، ۱: ۳۸)

سبک زندگی اسلامی دارای صورت و محتوای خاص است. بعد محتوایی آن شامل باورها، ارزش‌ها، اهداف و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد است که قرآن کریم از آن به «ایمان» (نحل: ۹۷) تعبیر می‌کند و زیربنای سبک زندگی را شکل می‌دهد. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۶۷ و ۷۹-۹۱) در مقابل بعد عینی و صورتی آن شامل مجموعه‌ای از رفتارهای الگومند است که افراد به اقتضای دنیای درونی و ضرورت‌های محیطی خود در عرصه‌های مختلف زندگی نظیر کار، مصرف، اوقات فراغت، روابط دوستی، مناسبات خانوادگی و... از خود بروز می‌دهند (مکارم، ۱۴۲۸، ۱: ۶۶) و قرآن با عنوان «عمل صالح» (نحل: ۹۷) از آن یاد می‌کند. از منظر اسلام بنیادهای فکری سبک زندگی از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون ایجاد تحول مثبت در آن‌ها،



نمی‌توان در سطوح ظاهری و عینی زندگی تحولات مطلوب ایجاد کرد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۴۵-۱۴۸) انبیای الهی نیز وقتی مبعوث می‌شدند، اولین کارشان این بود که در درون مردم تغییر ایجاد نمایند و باورهای درست را در آن جای دهند. وقتی بعد درونی حیات آدمی اصلاح شد، بعد عینی آن هم اصلاح پذیر می‌شود. (انوار هدایت، بی‌تا: ۶۱-۶۲)

۲. بنیادهای پارادایمی سبک زندگی

سبک زندگی آدمیان بازتابی از محتوای فکری و عقیدتی آن‌ها است و لذا در اثر اختلاف در جهان‌نگری، آداب، سنت‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی افراد نیز مختلف می‌شوند (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۵: ۲۷۴-۲۷۵) باورهای بنیادینی که از دیدگاه اسلام چارچوب و جهت‌گیری اصلی شیوه زندگی آدمی را مشخص می‌کنند، عبارتند از:

۱-۲. توحیدمحوری

توحید زیربنایی‌ترین اندیشه‌ای است که سبک زندگی اسلامی را در کلیت آن تعیین می‌بخشد. توحید نه تنها یکی از اصول زیربنایی اسلام است، بلکه محور همه برنامه‌های آن محسوب می‌شود، روحی است که در کالبد همه تعلیمات اسلام، دمیده شده است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۵۱) توحید یک باور صرف نیست، بلکه الگوی کامل زندگی است؛ برنامه‌ای جامعی است که همه وجوه حیات فردی و اجتماعی و تمام روابط انسانی در عرصه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست و غیره را در بر می‌گیرد (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۱: ۳۳۱) بنابراین شاخص‌ترین ویژگی سبک زندگی اسلامی آن است که مطابق با دلالت‌ها و اقتضائات اصل توحید بوده و به تعبیر قرآن کریم «صبغة» الهی داشته باشد. (بقره: ۱۳۷)

۲-۲. معادباوری

دیگر اصل زیربنایی که اقتضائات آن باید در سبک زندگی اسلامی تجلی پیدا کند، ایمان به معاد و باور به پیوستگی زندگی دنیوی و اخروی است. در تلقی مادی‌گرایانه،



مرگ نقطه پایان هستی انسان و از سنخ نابودی و فنا است. (مکارم، ۱۳۹۰: ۷-۱۰) طبق این نگاه، تمتع و کام‌گیری بی حد و حصر از مشتهیات دنیوی، یگانه هدف معقولی است که هر انسانی برای به حداکثر رساندن آن باید تلاش نماید. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۴۰-۲۴۱) در منطق الحادی، «دنیا نقد است و آخرت نسیه، نقد را نباید به خاطر نسیه رها کرد». (مکارم، ۱۳۹۳: ۱۳۷) نتیجه طبیعی این منطق در سبک زندگی، چیزی جز دنیاپرستی، مصرف‌گرایی و کام‌جویی افسارگسیخته نخواهد بود. (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۲: ۲۶۱-۲۶۲)

اما از منظر دینی، مرگ نه پایان حیات انسان که آغاز مرحله‌ای دیگر و انتقال از جهانی موقت به جهانی پایدار است. دنیا بازار بزرگی است که آدمی با سرمایه‌های عظیمی همچون عمر و مواهب فکری به آن فرستاده شده تا از آن بهره‌ای ارزنده برای سعادت ابدی و زندگی جاویدان بگیرد و سرنوشت اخروی انسان محصول شیوه زندگی وی در دنیا است. لذا افراد معتقد به معاد، گرفتار دام دنیاگرایی نمی‌شوند و تلاش می‌کنند که با سرمایه‌های که در اختیارش قرار داده شده، کالایی ارزنده، متاعی جاویدان و سرنوشتی درخشان برای خود و جامعه خویش فراهم سازند. (مکارم، ۱۳۸۰: ۷۹) باور به معاد، به زندگی معنا می‌بخشد، روند تکاملی زندگی بشر را در مسیر روشن نشان می‌دهد، انگیزه تهذیب نفوس را تقویت می‌کند، روح دنیاپرستی را که سرچشمه تمام خطاها است تضعیف می‌کند و چهره وحشتناک مرگ را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد. (مکارم، ۱۳۹۴، ۲: ۲۱۷-۲۱۸)

۲-۳. هدایت و حیانی

اعتقاد به ضرورت هدایت تشریعی و این که انسان قادر نیست بدون مراقبت الهی مسیر کمال را طی نماید، دیگر اصل زیربنایی سبک زندگی اسلامی است. هدایت تشریعی در یک بیان کلی عبارت است از رهنمودهایی که به مقتضای نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها از طریق وحی، ارسال پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی انجام می‌گیرد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱: ۶۷) هر چند بشر به دلیل برخورداری از قوه خرد و وجدان

تا اندازه‌ای قادر است که نفع و خیر را از زیان و شر و سعادت را از شقاوت تشخیص دهد؛ اما توان عقلانی بشر بدون مدد گرفتن از منبع و حیانی به‌تنهایی نمی‌تواند او را به تعالی و کمال برساند. (مکارم، ۱۴۲۸، ۱: ۶۹) عقل انسانی فقط قادر است زوایایی از حقایق هستی را مکشوف سازد و گستره‌ای را که شعاع عقل آدمی می‌تواند روشنی بخشد بسیار محدود است. به دلیل همین کاستی ذاتی عقل بشری است که خدای تعالی علاوه بر هدایت تکوینی، بشر را از نعمت هدایت تشریعی نیز بهره‌مند ساخته است (مکارم، ۱۳۷۹: ۳ و ۹-۱۳) طبق این اصل، نیل انسان به غایات وجودی‌اش که همان رسیدن به مقام عبودیت و قرب الهی است، در صورتی میسر می‌گردد که انسان علاوه بر بهره‌گیری از رسول یا مراقب درونی، از هدایت و دستگیری بیرونی نیز برخوردار باشد. در غیر این صورت هیچ تضمینی وجود ندارد که انسان در زندگی راه و مسیر درست را انتخاب کند یا در گزینش اهداف به خطا و اشتباه دچار نگردد. (مکارم، ۱۳۷۹: ۱۷-۲۰)

۳. عرصه‌های سبک زندگی

با توجه به تعریفی که بر اساس منظومه فکری علامه مکارم از سبک زندگی ارائه شد، می‌توان گفت گستره سبک زندگی به اندازه وسعت ابعاد زندگی بشر است. به همین دلیل پرداختن به همه مصادیق و عرصه‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست. لذا اینجا به برخی از مهم‌ترین حوزه‌های سبک زندگی اشاره می‌شود:

۱-۳. مصرف

حوزه مصرف از این جهت که بیشترین مجال را برای انتخاب‌های ذوقی و استحسانی افراد فراهم می‌سازد، نقش مهمی در سبک زندگی دارد. در سبک زندگی مادی‌گرا، انگیزه اصلی مصرف اشباع خواسته‌های مادی و غرایز نفسانی است. لذا در این زیست‌جهان هیچ انگیزه‌ای جز دستیابی به بالاترین لذت ممکن در مصرف کالاها مطرح نیست؛ (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۳۴۵) اما اسلام در حوزه مصرف، نه چون مکاتب مادی‌گرا اهداف زندگی بشر را در لذت‌گرایی و کامجویی هر چه بیشتر از مواهب



مادی منحصر می‌داند، و نه چون آیین‌های تارک دنیا، استفاده از نعمت‌های دنیوی را ناروا تلقی می‌کند. اسلام نه تنها مؤمنان را از مواهب دنیوی محروم نکرده، بلکه کسانی را که تحریم نعمت‌های پاک و حلال را نشانه پارسایی می‌دانند، مورد نکوهش قرار داده است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۴۹)

لیکن اسلام برای این که انسان از مسیر اعتدال خارج و گرفتار تجمل‌گرایی نگردد، در کنار امر به مصرف، قواعد و هنجارهای مهمی را در حوزه مصرف وضع کرده است. رعایت این اصول باعث می‌شود که هم نیازهای مادی انسان به درستی تأمین گردد و هم نیازهای معنوی و روحی او برآورده شود. از دیدگاه اسلام انگیزه‌های مصرف تنها در حوزه نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه خواسته‌های معنوی و روحی نیز در ایجاد انگیزه مصرف دخیل است و بلکه می‌توان گفت، هدف واقعی همان خواسته‌های معنوی است و نیازهای مادی مقدمه آن است. (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۳۴۶)

مهم‌ترین اصل اسلامی در این حوزه، رعایت حد اعتدال یا اجتناب از اسراف است. «اسراف» کلمه جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف کالاها و مانند آن را شامل می‌شود (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۳۴۶). اسراف مصادیق فراوانی دارد که بارزترین آن تلف کردن یا به قول معروف «ریخت و پاش» است. مصادیق دیگر آن عبارتند از «مصرف بی‌رویه» یا مصرفی که باعث شود زندگی بر فرد دشوار گردد، مصارف زیانبار یا اتلاف ثروت در اموری که برای بدن ضرر دارد مانند مصرف دخانیات، هزینه کردن در مسیر گناه، انفاق‌های نامتعارف، به کارگیری اموال و کالاها در غیر محل مناسب، شکم‌بارگی و زیاده‌روی در مصرف غذاها. (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۲۰۴-۲۰۷)

متأسفانه در جوامع امروزی مصرف بیش از آن که برای رفع نیازها باشد، برای فخرفروشی، جلب توجه دیگران و نمایش منزلت و قدرت به کار می‌رود. در حالی که تجمل‌گرایی، خودنمایی از طریق نمایش مصرف کالاها، مدپرستی و عطش داشتن وسایل آخرین سیستم، افراد را بیچاره و قوی‌ترین اشخاص را به زانو در می‌آورد و مایه

انواع بدبختی‌ها و بیچارگی می‌شود. زندگی اگر ساده و عاری از زرق و برق باشد، از طریق حلال اداره خواهد شد ولی اگر با تجمل‌پرستی همراه گردد، معمولاً از طریق حلال اداره آن ممکن نیست و افراد مجبور می‌شوند که از طریق انواع رفتارهای حرام مانند رباخواری، احتکار، رشوه و تضییع حقوق، تجملات را فراهم نمایند. متأسفانه امروزه، بسیاری از مشکلات افراد جامعه، به ویژه جوانان، ناشی از اشاعه سبک زندگی تجملی است. دختران و پسران بسیاری هستند که به دلیل نداشتن تجهیزات‌های لوکس و هزینه‌های سنگین، موفق به ازدواج نمی‌شوند. بنابراین اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی داشته باشیم باید بت‌های تجملات را که هر روز فزونی می‌یابند، بشکنیم و به‌سوی روش زندگی ساده و عاری از چشم و هم‌چشمی حرکت نمایم. در این صورت است که جوانانمان خوشبخت می‌شوند و آرامش و امنیت خاطر بر زندگی حاکم می‌گردد (مفاهیم تحریف‌شده، بی‌تا: ۳۷-۳۸)

۲-۳. اوقات فراغت

اوقات فراغت در دنیای معاصر از جهات مختلفی اهمیت پیدا کرده است به طوری که یکی از عرصه‌های مهم زندگی را تشکیل می‌دهد. داشتن اوقات فراغت، تفریح و سرگرمی سالم از جمله نیازهای فطری و طبیعی انسان است. انسان نمی‌تواند همیشه مشغول کسب و کار و یا حتی عبادت باشد، فراغت برای تجدید قوا و کسب نشاط و آرامش ضروری است (مکارم، ۱۳۷۹، ۳: ۲۰۹) همان گونه که جسم نیاز به استراحت و تجدید قوا دارد، روح و روانش نیاز به سرگرمی و تفریح سالم دارد. تجربه نشان داده که اگر انسان به کار یکنواخت ادامه دهد، بازده کار او بر اثر کمبود نشاط تدریجاً کاهش می‌یابد و به‌عکس، پس از چند ساعت تفریح و سرگرمی سالم، آن چنان نشاط کار در او ایجاد می‌شود که کمیت و کیفیت کار هر دو فزونی پیدا می‌کند. (مکارم، ۱۳۷۴، ۹: ۳۳۴)

اوقات فراغت به دلیل اینکه می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و مسیر زندگی انسان را تغییر دهد، در تعلیمات اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و آداب و هنجارهایی برای آن بیان شده است. (مکارم، ۱۳۷۹، ۳: ۲۱۰) اولین ویژگی اوقات فراغت سالم آن



است که خالی از اعمال و رفتارهای حرام باشد و به تعبیر زیبایی امام سجاده^(ع) وقتی کاتبان گناهان اعمال ما را در زمان فراغت ثبت می کنند، با دست خالی بازگردند؛^۱ اما متأسفانه در جامعه ما به این ویژگی کمتر توجه می شود. چه بسیارند کسانی که اوقات فراغتشان را با سرگرمی های ناسالم و برنامه های مضر و گناه آلود پر می کنند. (مکارم، ۱۳۷۹، ۳: ۲۱۰-۲۱۱) دومین ویژگی گذران اوقات فراغت در سبک زندگی اسلامی، نشاط آفرینی است. بدین معنا که باید فعالیت هایی برای گذران اوقات فراغت انتخاب شود که باعث شادابی و تقویت قوای روحی و جسمی افراد گردد نه این که خستگی، سستی، افسردگی و ملالت به بار آورد. (مکارم، ۱۳۷۹، ۳: ۲۱۰-۲۱۱) سرگرمی و تفریح ناسالم، گاهی روح و اعصاب انسان را چنان تخریب می کند که قدرت کار و فعالیت را تا مدت ها از او می گیرد و بازده کار او را به حداقل می رساند. (مکارم، ۱۳۷۴، ۹: ۳۳۵)

سومین ویژگی اوقات فراغت آن است که زمینه های نفوذ فرهنگ منحط و ارزش های بیگانگان را فراهم نکند. اوقات فراغت در کنار همه مزایا و برکاتی که دارد، اگر به درستی الگوسازی نشود، می تواند به عنوان یکی از جدی ترین تهدیدات برای سلامت اخلاقی و روانی جامعه اسلامی به شمار آید. در دنیای امروز دست های پیدا و پنهان فراوانی وجود دارند که از موضوعات مانند ورزش و تفریح برای آلوده کردن مردم و به ویژه نسل جوان سوء استفاده می کنند و از این طریق الگوهای رفتاری را رواج می دهند که با فرهنگ اصیل اسلامی ناسازگارند. بر همین اساس، اگر مسئولان امر برای اوقات فراغت قشرهای مختلف جامعه برنامه ریزی نکنند، خسارت های جبران ناپذیری در حوزه فرهنگ و اخلاق اجتماعی به بار خواهد آمد؛ زیرا اگر ما

۱. امام سجاده^(ع) در صحیفه سجاده بیان بسیار زیبایی دارد که چارچوب اصلی شیوه گذران اوقات فراغت در سبک زندگی اسلامی را مشخص می کند؛ ایشان می فرماید: «فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُذَكِّرُنَا فِيهِ تَبِعَةً، وَلَا تَلَحُّقُنَا فِيهِ سَأْمَةً، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلَّى كُتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا»؛ خداوندا! اگر برای ما زمان فراغتی از کارهای (سنگین زندگی) مقدر فرموده ای، آن را فراغتی سالم قرار ده که آفت و گناهی در آن دامن ما را نگیرد و خستگی و ملالی در آن به ما نرسد! تا این که فرشتگان نویسنده گناهان با نامه اعمال خالی از ذکر گناهان ما از نزد ما بازگردند و همچنین فرشتگان نویسنده حسنات هنگامی که از سوی ما باز می گردند به خاطر حسناتی که از ما نوشته اند مسرور باشند! (صحیفه سجاده، دعای ۱۱)



برای اوقات فراغت مردم برنامه‌ریزی نکنیم، دیگران این کار خواهند کرد. آنان بر اساس ارزش‌های خود سعی می‌کنند که اوقات فراغت نسل جوان را به سمت و سوی مورد نظرشان سوق دهند. (مکارم، ۱۳۷۴، ۹: ۳۳۶)

۳-۳. آرایه‌ها

یکی از عرصه‌های مهم سبک زندگی، استفاده از زینت‌ها و آرایه‌ها، یا مدیریت بدن است. انسان موجودی زیبایی‌خواهی است و اشتیاق به جمال و زیبایی ریشه در فطرت آدمی دارد. به همین جهت انسان جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی خود از قبیل لباس، بدن، چیدن اسباب و اثاثیه منزل، سفره‌آرایی، انتخاب اسم، و... دخالت می‌دهد و می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را فراگیرد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۵۰-۱۵۱) از آنجا که زیبایی‌خواهی ریشه در فطرت انسان دارد، اسلام استفاده از زینت و آرایه‌ها را نه تنها مجاز شمرده، بلکه آن را توصیه نیز کرده است. در متون اسلامی روایات زیادی راجع به استفاده کردن از زیبایی‌های طبیعت، لباس‌های زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها، و امثال آن، وارد شده است؛ (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۵۱) اما نکته مهم این است که افراد غالباً در این گونه موضوعات، راه افراط در پیش می‌گیرند و گرفتار تجمل‌گرایی می‌شوند. به همین دلیل قرآن بلافاصله بعد از این که استفاده از آرایه‌ها را تجویز می‌کند، افراد را از زیاده‌روی بر حذر می‌دارد. روش اسلام در مورد استفاده از انواع زینت مانند دیگر موارد، روش اعتدال و میانه‌روی است؛ نه جمود دارد و تمایلات زیبایی‌خواهانه انسان را سرکوب می‌کند و نه بر اعمال تجمل‌پرستان که غرق در زینت و تجمل می‌شوند، صحنه می‌گذارد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۵۲)

انسان مانند چهارپایان نیست که ذوق نداشته باشد، بلکه یکی از ابعاد معروف چهارگانه روح انسان را حس زیبایی تشکیل می‌دهد که سرچشمه پیدایش شعر و هنر اصیل و مانند آن‌ها است. بدون شک این بعد از روح انسانی نقش مؤثری در حیات بشر دارد. لذا باید به شیوه معقول و به دور از هر گونه افراط و تفریط و اسراف و تبذیر اشباع گردد. از دیدگاه اسلام افرادی که خود را غرق در تجمل‌گرایی و انواع



زینت می کنند، به همان اندازه گمراهند که افراد مخالف هر گونه زینت گمراهند؛ زیرا اولی در طرف افراط قرار دارد و مایه نابودی سرمایه ها و ایجاد فاصله طبقاتی و کشتن معنویات است و دیگری در طرف تفریط و باعث خمودی و رکود. به همین دلیل در اسلام، استفاده از زینت به صورت معقول و خالی از هر گونه اسراف، مانند بهره گیری از لباس های خوب، انواع عطریات، بعضی سنگ های قیمتی و مانند آن، مخصوصاً در مورد زنان که نیاز روحی شان به آرایه ها بیشتر است، توصیه شده است، ولی مکرراً سفارش شده که حد اعتدال رعایت گردد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۱: ۱۸۱)

۳-۴. پوشش

لباس و پوشش دیگر عرصه مهم در سبک زندگی است. یکی از اصول مشترک در زندگی همه امامان معصوم^(ع) این بوده که علاوه بر آراستگی باطن و روح و روان، ظاهری زیبا، پاکیزه و آراسته داشته اند. بعضی تصور می کنند همین مقدار که انسان ایمان محکم، و باطنی پاک داشته باشد کافی است و ظاهر هرگونه باشد عیبی ندارد. چنین خیالی از نظر اسلام خیال باطل است. بخشی از برنامه ها و دستورهای اسلام مربوط به پاکیزگی، زیبایی و آراستگی ظاهر، مثل قیافه و لباس و رنگ و بو است. (مکارم، ۱۳۸۸، ۲: ۸۴) به عنوان مثال، قرآن به صراحت می فرماید: «يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱) این جمله می تواند هم اشاره به «آراستگی های جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباس های مرتب و تمیز، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن می شود و هم شامل «آراستگی های معنوی»؛ یعنی خصایص انسانی و فضایل اخلاقی. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۴۷)

در سبک زندگی امام حسن مجتبی^(ع) آمده است که وقت نماز، بهترین لباس خود را می پوشید. وقتی از آن حضرت عُلّت را جویا شدند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلْ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ، فَاحَبَّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثِيَابِي؛ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد. به همین جهت من برای پروردگارم خود را آرایش می کنم که فرموده است زینت های خود را هنگام عبادت در بگیرید. پس خداوند دوست می دارد که من بهترین لباسم را بپوشم».



(مکارم، ۱۳۸۸، ۲: ۸۵)

هم‌چنین در مورد امام صادق^(ع) نقل شده که لباس زیبایی پوشیده بود و عبّاد بن کثیر با حضرت برخورد کرد و لب به اعتراض گشود و گفت: تو از خاندان نبوتی، پدرت علی^(ع) این گونه لباس نمی‌پوشید، لباس او بسیار ساده بود. امام صادق^(ع) فرمود: «وای بر تو ای عبّاد! چه کسی حرام کرده است زینت‌هایی را که خداوند برای بندگان‌ش آفریده و روزی‌های پاکیزه را؟ خداوند دوست دارد نعمتی را که به بنده‌ای عطا کرده است، آن را بی‌کم و کاست در برش ببیند». (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳: ۳۴۷)

بنابراین آراستگی و پوشیدن لباس‌های پاکیزه در سبک زندگی اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما در عصر ما، جنبه‌های فرعی و حتی نامطلوب لباس به قدری گسترش یافته که کارکردهای اصلی آن را تحت الشعاع قرار داده است. لباس عاملی شده برای انواع تجمل‌گرایی، توسعه فساد، تحریک شهوات، خودنمایی، تکبر و اسراف و تبذیر. گاه به نام مد، لباس‌هایی در جامعه به خصوص در میان «جوانان غرب‌زده» رواج می‌یابد که جنبه جنون‌آمیز آن به مراتب بر جنبه عقلانی‌اش برتری دارد و به همه چیز شباهت دارد جز به لباس. این مدگرایی جنون‌آمیز ریشه در کمبودهای روحی و روانی افراد دارد و کسانی گرفتار آن می‌شوند که تصور می‌کنند جز با لباس‌های نامأنوس و عجیب و غریب، نمی‌توانند به شیوه دیگر هویت خود را در جامعه اثبات کنند. به همین دلیل، افرادی که دارای عقده حقارت نیستند، از پوشیدن این گونه لباس‌ها ابراز تنفر می‌کنند (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۳۴)

مدگرایی از جمله آفت‌هایی است که تبعات ناگوار فراوانی برای جامعه در پی دارد. ثروت‌های عظیمی که از طریق مدگرایی، و چشم هم‌چشمی‌ها در مسئله لباس نابود می‌شود، رقم بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد که اگر صرفه‌جویی گردد، بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل می‌کند. مدگرایی در لباس نه تنها ثروت‌های زیادی را به کام خود فرو می‌کشد، بلکه بخش مهمی از وقت، انرژی و نیروهای انسانی را نیز بر باد می‌دهد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۳۶) به همین جهت، در سبک زندگی اسلامی با



مدگرایی به شدت مخالفت شده است. در روایتی آمده است که هیئتی از مسیحیان نجران خدمت پیامبر اسلام^(ص) رسیدند، درحالی که لباس های ابریشمین بسیار زیبا به تن داشتند. وقتی آنان خدمت پیامبر^(ص) رسیدند و سلام کردند، پیامبر^(ص) نه پاسخ سلام آن ها را داد و نه حاضر شد یک کلمه با آن ها سخن بگوید. از علی^(ع) علت روی گردانی پیامبر^(ص) را از آن ها جویا شدند، علی^(ع) فرمود: من چنین فکر می کنم که این ها باید این لباس های زیبا و انگشترهای گران قیمت را از تن بیرون کنند، سپس خدمت پیامبر^(ص) برسند. آن ها چنین کردند و پیامبر^(ص) سلام آن ها را پاسخ داد و با آن ها سخن گفت، سپس فرمود: «والذی بعثنی بالحق لقد أتونى المرة الاولى وان ابليس لمعهم»؛ (قمی، ۱۴۰۲، ۲: ۵۰۴) سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاده است، نخستین بار که این ها بر من وارد شدند، دیدم شیطان نیز به همراه آن ها است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۱۳۶)

۵-۳. آداب معاشرت

بخش مهمی از سبک زندگی اسلامی را آداب معاشرت تشکیل می دهد. به همین جهت اسلام اهتمام جدی نسبت به روابط اجتماعی نشان داده و بخش معظمی از تعلیمات آن را اخلاقیات اجتماعی و آداب معاشرت شکل می دهد. اهتمام اسلام به اجتماع تا آن حد است که حتی عبادات و احکام عبادی آن که بر اساس ارتباط خلق با خالق استوار است، روح جمعی دارد و با مفاهیم اجتماعی چنان آمیخته اند که تفکیک این دوا از هم کار مشکلی است. به همین جهت می توان گفت در اسلام حتی یک دستور فردی هم وجود ندارد. (مکارم، ۱۳۸۰: ۱۴۰-۱۴۱)

جهت گیری اصلی سبک زندگی اسلامی در راستای ایجاد الفت و استحکام بخشیدن همبستگی در میان مؤمنان است. اهمیت پیوندهای اجتماعی از نظر اسلام به اندازه ای است که قرآن کریم آن را از آیات پروردگار و نشانه های توحید شمرده است (روم: ۲۱) و تصریح می کند که یکی از کارهای اعجاز آمیز پیغمبر اکرم^(ص)، ایجاد الفت و استحکام بخشیدن به مناسبات اجتماعی بوده است. (انفال: ۶۲-۶۳) همچنین پراکندگی اجتماعی در ردیف عذاب های الهی (انعام: ۶۵) و در ردیف آتش



سوزان قرار داده شده که همه چیز را در کام خود فرومی‌بلعد. (آل عمران: ۱۰۳) در اسلام کمتر گناهی به پایه ایجاد عداوت و تفرقه و کمتر کار نیکی به پایه ایجاد الفت در میان مردم می‌رسد. اسلام حتی اجازه نمی‌دهد مسلمانان جز در موارد استثنایی از یکدیگر قهر کنند ورشته مودت در میان آن‌ها تضعیف گردد. در اسلام محبت و دوستی و مواسات و کمک و تعاون اجتماعی از وظایف حتمی هر مسلمان شمرده شده است. (مکارم، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۴۳)

به‌منظور تحقق این اصول، اسلام از یک طرف عواملی که موجب تفرقه و پراکندگی می‌شود مانند غیبت، سخن‌چینی، برتری‌جویی، سخت‌گیری، سوءظن، صدازدن با القاب بد، مزاح زیاد و... را ممنوع کرده و از طرف دیگر، عواملی که منجر به تحکیم مودت و پیوند و اعتماد متقابل می‌شود، مانند «تزاور» (دید و بازدید)، «مصافحه و معانقه»، حسن ظن، ابراز دوستی در حضور افراد، دفاع از حیثیت یکدیگر، اصلاح ذات‌البین، کوشش در انجام نیازهای یکدیگر و امثال آن، ممدوح شمرده شده است. جالب توجه اینکه اسلام در جهت تحکیم روابط اجتماعی به هیچ حدی قانع نیست و همچنان می‌کوشد که روابط را هرچه محکم‌تر سازد و در این جهت تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: باید در میان افراد با ایمان آن‌چنان پیوند ارتباط روحی برقرار گردد که حتی در جسم آن‌ها اثر بگذارد؛ یعنی روابط افراد با ایمان به قدری محکم شود که اجساد آن‌ها در حکم یک جسد گردد که هرگاه یکی از آنان در موضعی از بدن خود احساس ناراحتی نمایند، دیگری در همان موضع احساس درد کند. (مکارم، ۱۳۸۰: ۱۴۴-۱۴۷)

آموزه‌های اسلامی که در آن‌ها تقویت و استحکام روابط اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته بیش از آن است که در این جا بتوان اشاره کرد. آنچه روح این تعالیم را شکل می‌دهد عبارت است از این که سبک زندگی در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که وحدت، همبستگی و مودت و محبت را در میان مؤمنان گسترش دهد و بر عمق و استحکام آن بیفزاید. تعارض، شقاق و انزوای اجتماعی جزء منفورترین پدیده‌ها در اسلام است؛ زیرا تکامل فردی و اجتماعی را متوقف می‌کند. (مکارم، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۵۱)



۳-۶. کسب و کار

مکتب اسلام ارزش زیادی برای کار و کسب روزی حلال قائل شده است؛ به طوری که هرگونه کار مفید و ثمربخش را مصداقی از جهاد و کارگر را به عنوان مجاهد در راه خدا و گاه برتر از آن شناخته است. کار تا آن حد ارزشمند است که پیامبر اکرم (ص) بر دست کارگر بوسه زده و فرمود: «این دستی است که هرگز آتش دوزخ به آن نخواهد رسید». (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۲: ۴۶۹) سیره عملی پیشوایان معصوم^(ع) نیز حاکی از اهمیت فوق العاده کار و تلاش اقتصادی است. این اهتمام بدان جهت است که نظام اقتصادی در حکم ستون فقرات اجتماع است؛ بدین معنا که قوام و دوام و پیشرفت جامعه تا حد زیادی به کسب و کار و تلاش اقتصادی بستگی دارد. (مکارم، بی تا: ۲۶-۲۷)

اسلام به حکم این که کامل ترین دین در میان ادیان الهی است، هیچ نیازی از نیازهای فردی و اجتماعی بشر را فروگذار نکرده است و برای تمام ابعاد و شئون زندگی انسان برنامه های عملی مدون ارائه داده است. (مکارم، ۱۴۲۸، ۱: ۷۷-۸۰) عرصه کسب و کار نیز با توجه به نقش اساسی که در تنظیم زندگی بشر دارد، مورد توجه جدی اسلام بوده و برای ساماندهی آن قواعد و احکام و هنجارهای فراوانی وضع شده است که اگر مناسبات اقتصادی بر اساس آن ها استوار گردد، هم رفاه و آسایش دنیوی را برای جامعه اسلامی در پی دارد و هم زمینه های قرب و کمال معنوی را برای عاملان عرصه اقتصادی فراهم می سازد. (مکارم، ۱۳۹۴: ۳۳۹)

الگوی کسب و کار در جامعه اسلامی با نظام های غیراسلامی تفاوت های اساسی دارد؛ زیرا در چارچوب تفکر اسلامی، انسان به عنوان خلیفه و امانت دار خداوند مطرح است و کسب و کار مانند سایر حوزه های زندگی اجتماعی، عرصه ای است که باید زمینه را برای عبودیت، قرب الهی و تحقق خلافت انسان فراهم سازد. در نگاه مکاتب مادی گرا، عرصه اقتصادی به منزله میدان رقابت تمام عیاری است که به حداکثر رساندن سود شخصی به هر وسیله و ابزاری، تنها هدف محسوب می شود. در حالی که از دید یک مسلمان، کسب و کار میدان مسابقه است؛ اما نه

مسابقه سودجویی و منفعت‌طلبی محض، بلکه عرصه‌ای برای مسابقه در خیرات و همیاری است. در بازار اسلامی معنای رقابت این نیست که کسی رقیب خود را نابود کند، بلکه رقابت بایسته آن است که از یک سو، فرد از دیگران سبقت بگیرد و از طرف دیگر، تعاون و همکاری را از یاد نبرد و به دیگران کمک کند. در الگوی کسب و کار اسلامی، افراد مجاز نیستند که با استفاده از هر وسیله و شیوه‌ای به فعالیت بپردازند. ایجاد انحصار و بیرون کردن رقبای از عرصه فعالیت‌های اقتصادی، احتکار، تدلیس و تبلیغات غیرواقع، تبانی و توطئه به منظور بالا بردن یا کاستن از قیمت و ارزش کالا و... رفتارهای نامشروع تلقی می‌شود؛ زیرا با مبانی اعتقادی، اصول و نظام ارزشی اسلام ناسازگار است. در حالی که رفتارهای یاد شده در یک بازار غیراسلامی، چندان هم دور از انتظار نیست. (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۲۵۵-۲۵۶)

روح بازار اسلامی را «کسب لقمه حلال» و اجتناب از حرام‌خواری شکل می‌دهد. بر همین اساس ضرورت دارد که کاسبان و بازرگانان مسلمان از آداب و احکام سلوک در بازار که شرع مقدس اسلام مشخص کرده، آگاهی و شناخت کافی داشته باشند تا گرفتار حرام‌خواری و کسب حرام نگردند. از نگاه اسلام، کسب لقمه حلال بخش قابل توجهی از زمینه‌های هدایت را رقم می‌زند و حرام‌خواری، از جمله اسباب مهم بدبختی دنیوی و اخروی انسان به شمار می‌رود. تبعات بازاری که به حرام‌خواری و امور غیرشرعی آلوده است، تنها دامن‌گیر کاسبان و تجار نمی‌شود، بلکه آثار سوء آن، جامعه و نسل‌های آینده را نیز مبتلا و گرفتار می‌کند. به همین جهت، شناخت آداب و احکام کسب و کار نه تنها یک تکلیف فردی برای کاسبان، بلکه مسئولیت اجتماعی آن‌ها نیز محسوب می‌شود. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۲۰۸-۲۰۹)

۴. عوامل شکل‌گیری و دگرگونی سبک زندگی

عوامل گوناگونی در ایجاد و دگرگونی سبک زندگی دخیل است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:



۴-۱. فرهنگ

یکی از عوامل مهم شکل دهنده سبک زندگی، نظام فرهنگی جامعه است. فرهنگ هر ملتی هر چه باشد در پرورش صفات اخلاقی اثر تعیین کننده ای دارد؛ فرهنگ های متعالی، افرادی با صفات عالی پرورش می دهد و فرهنگ های منحط و آلوده، عامل پرورش رذایل اخلاقی است. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۱۸۷) فرهنگ در یک بیان کوتاه مجموعه اموری است که به روح و فکر انسان، شکل می دهد و انگیزه های اصلی اعمال و کنش های آدمی در عرصه های مختلف را فراهم می سازد (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۱۸۵) فرهنگ «روح جامعه» است. به همین جهت صورت بندی و تحول سبک زندگی تا حد زیادی ناشی از تحولات فرهنگی است. لذا همواره دغدغه مصلحان اجتماعی این بوده که از طریق بالا بردن فرهنگ جامعه، وجدان عمومی یا روحی جمعی را ارتقا دهند و کژی های آن را اصلاح کنند. (مکارم، ۱۴۲۸، ۱: ۶۶۱) ملتی که مرزهای فرهنگی آن، مورد تهاجم دشمن قرار گیرد و نتواند به خوبی از آن دفاع کند، در مدت کوتاهی از نظر سیاسی و نظامی نیز شکست خواهد خورد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۳: ۲۳۵) بنابراین تحقق سبک زندگی اسلامی قبل از هر چیز منوط به آن است که فرهنگ اسلامی در تمام بخش های نظام اجتماعی از طرز سخن گفت و آداب و رسوم و کیفیت بناها گرفته تا نظام سیاسی و آموزشی و اقتصادی نهادینه شده باشد. (انقلاب فرهنگی قلب انقلاب ماست، نشریه اطلاعات، تاریخ، ۱۳۵۹/۳/۱۲)

۴-۲. خانواده

نهاد خانواده یکی از مؤثرترین عوامل پایه ریزی سبک زندگی اسلامی است. به همین جهت خانواده در اسلام از جایگاه والا برخوردار است و اسلام به منظور سالم سازی اجتماعات بزرگ تر انسانی اهتمام ویژه ای به سلامت و استحکام خانواده دارد. خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که در آن باورهای دینی، ارزش های انسانی و اخلاقی و هنجارهای اجتماعی آموخته و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. (مکارم، ۱۳۷۴، ۳: ۲۴۲) از طریق خانواده است که افراد با زندگی اجتماعی آشنا می شوند، چگونگی معاشرت با دیگران را می آموزند و راه و رسم زندگی، اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی

را فرامی‌گیرند. در حقیقت، اجتماع بزرگ از واحدهای کوچکی تشکیل می‌شود که خانواده نام دارد و هر گاه این واحدهای کوچک اصلاح گردد، کل جامعه اصلاح می‌شود. عکس آن نیز درست است؛ یعنی سست شدن بنیان خانواده و رواج یافتن الگوهای رفتاری نادرست در آن، باعث فاسد شدن کل اجتماع می‌گردد. یکی از علل اصلی نابسامانی‌های اجتماعی جوامع صنعتی عصر ما، متلاشی شدن نظام خانواده در آن است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۱: ۳۲۴؛ مکارم، ۱۳۷۷، ۱، ۱۶۴-۱۶۵) به دلیل همین نقش کلیدی خانواده در تربیت انسان است که اسلام برای خانواده اهمیت زیادی قائل شده و به منظور حفظ قداست و استحکام آن، هنجارهای رفتاری فراوانی وضع کرده است. (مکارم، ۱۳۸۸)

۳-۴. تعلیم و تربیت

بعد از نهاد خانواده، نظام آموزشی مهم‌ترین نهاد در تعلیم و تربیت نسل برومند و پاک به شمار می‌آید. (مکارم، ۱۳۹۷/۳/۸) به همین جهت نقش فوق‌العاده مهمی در ایجاد و اشاعه سبک زندگی اسلامی دارد. هر چند رسانه‌ها و نهادهای دیگر (مکارم، ۱۳۸۸: ۱۰۸) نیز در تعلیم و تربیت اعضای جامعه اسلامی نقش دارد؛ اما آموزش و پرورش، مهم‌ترین متولی تربیت و تقویت باورهای دینی دانش‌آموزان است؛ چرا که این نهاد از آغازین سال‌های عمر با انسان ارتباط تنگاتنگی دارد و می‌تواند افراد را در یک قالبی مناسب و مفید، تربیت و وارد جامعه کند. (مکارم، ۱۳۸۵/۲/۱۲) در واقع اگر مراکز آموزشی به وظایف ذاتی خود عمل کنند، زمینه‌های سعادت جوانان فراهم می‌شود؛ (مکارم، ۱۳۹۷/۳/۱۳) اما متأسفانه نظام آموزشی ما رنگ و بوی غربی دارد و پرورش و تربیت در آن کم‌رنگ است. (مکارم، ۱۳۹۷/۳/۸) به همین دلیل است که جوانان و نوجوانان ما دچار آسیب‌های جدی اعتقادی و اخلاقی شده‌اند که اگر مورد توجه قرار نگیرند، در آینده موجب مشکلات فراوان دینی، اجتماعی و سیاسی خواهند شد. (مکارم، استفتانات جدید، ۳: ۵۳۶)

عملکرد نظام آموزشی کشور نشان می‌دهند که اهتمام جدی آن منحصر در امر آموزش بوده و توجه لازم به پرورش و تربیت افراد وجود ندارد (مکارم، ۱۳۹۷/۳/۸)



این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت هنگامی می‌تواند زندگی آدمیان را سمت و سوی تکاملی بدهد که در آن تربیت اخلاقی و پرورش دینی دستکم به اندازه تعلیم علوم و آموزش فنون مورد توجه قرار گیرد. (مکارم، ۱۳۸۸: ۲۳۰) نظام آموزشی، تنها وظیفه «تعلیم» را بر عهده ندارد، بلکه «تربیت» اخلاقی و پرورش شخصیت فراگیران جزء کارکردهای ذاتی آن محسوب می‌شود؛ زیرا نیمی از شخصیت انسان را «عقل و خرد» تشکیل می‌دهد و نیم دیگر را «غرائز و امیال». به همین دلیل ما به همان اندازه که نیاز به «تعلیم» داریم، نیاز به «تربیت» هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرائز درونی ما به سوی هدف صحیحی رهبری شوند. لذا پیامبران الهی هم معلمند، هم مربی، هم آموزش دهنده‌اند و هم پرورش دهنده. نکته جالب این که در قرآن کریم مسئله تعلیم و تربیت در چهار مورد به عنوان هدف انبیا ذکر شده (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲) که در سه مورد آن تربیت را مقدم بر تعلیم شمرده است. گویا اشاره به این دارد که هدف اصلی تربیت است و بقیه همه مقدمه آن است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱: ۴۵۷؛ مکارم، ۱۳۷۵: ۳۸)

۴-۴. الگوهای مرجع

الگوگیری در طبیعت هر انسانی وجود دارد. هر فرد در زندگی، اسوه و الگوی مرجعی دارد که سعی می‌کند روش زندگی خود را به او نزدیک و پرتوی از ویژگی‌های او را در وجود خود محقق سازد. گرایش به اسوه‌ها و قهرمان‌ها یک تمایل درونی است. به همین دلیل، تمام جوامع به قهرمانان واقعی و گاه پنداری متوسل می‌شوند و بخشی از فرهنگ و تاریخ خود را بر اساس وجود آن‌ها بنا می‌کنند، در مجالس خود از آن‌ها سخن می‌گویند و آن‌ها را می‌ستایند و سعی می‌کنند خود را از نظر صفات و روحیات به آن‌ها نزدیک سازند. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۳۶۵) الگوها و سرمشق‌های بزرگ، وسیله مؤثری برای تربیت انسان‌ها است. قرآن کریم نیز بر این مسئله، مهر تأیید زده و در همه زمینه‌ها اسوه‌هایی را برای مؤمنان معرفی می‌کند، از جمله، دوبار از ابراهیم^(ع) به عنوان اسوه سخن گفته و در سورة احزاب، شخص پیامبر^(ص) را به عنوان الگو، به مسلمانان معرفی می‌نماید. با توجه به میل طبیعی انسان‌ها به الگوگیری،



اگر اسوه‌های حسنه معرفی نشوند، افراد از الگوهای ناسالم پیروی می‌کنند. بر همین اساس احیا، ترویج و برجسته‌سازی الگوهای مرجع سالم، می‌تواند نقش اساسی در پایه‌ریزی و اشاعه سبک زندگی اسلامی داشته باشد. (مکارم، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۶)

۵. کارکردهای سبک زندگی

۱-۵. هویت‌سازی

یکی از کارکردهای مهم سبک زندگی، هویت‌سازی است. سبک‌های زندگی درواقع شیوه‌های بیانی هستند که افراد از طریق آن‌ها، هویت‌های فردی و جمعی‌شان را بیان می‌کنند. بنابراین کارویژه اساسی سبک زندگی اسلامی، عبارت است از متمایز کردن هویت مؤمنانه از هویت‌های الحادی و غیراسلامی. لذا در شریعت اسلامی «تشبه به کفار» در شیوه غذاخوردن، لباس پوشیدن، نحوه آرایش و امثال آن، منع شده‌اند؛ زیرا هویت اسلامی را خدشه‌دار می‌کند و باعث می‌شود که استقلال و مرزهای هویتی جامعه اسلامی در اثر نفوذ ارزش‌های فرهنگ منحط بیگانگان، از بین برود. (مکارم، ۱۳۸۸: ۲: ۸۹؛ مکارم، بی‌تا، ۱: ۵۰۸)

۲-۵. امنیت وجودی

در دنیای معاصر، اضطراب و نگرانی بزرگ‌ترین بلایی است که بشر از آن رنج می‌برد. به‌رغم رفاه مادی فراوانی که برای بشر فراهم گردیده، نگرانی و اضطراب نه‌تنها کم نشده بلکه به‌مراتب بیشتر شده است. آمارها نشان می‌دهد که روز به روز بر تعداد بیماران روحی و روانی در جهان افزوده می‌شود. اعتیاد به انواع مواد مخدر، پناه بردن به مشروبات الکلی، روی آوردن به سرگرمی‌های مضر، همه ریشه در گسترش نگرانی‌ها و اضطراب‌ها دارد و افراد آرامش کاذب خود را در این گونه فعالیت‌ها جستجو می‌کنند. ابعاد این فاجعه زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم سرچشمه بخش مهمی از بیماری‌های جسمی ریشه در نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و دلهره‌های درونی دارند. (مکارم، ۱۳۸۰: ۲۴۹-۲۵۱) قرآن کریم در یک قانون کلی، منشأ امنیت وجودی و آرامش روحی بشر را در شیوه زندگی مبتنی بر ایمان و معنویت و یاد خدا



بیان می‌کند. یاد خدا است که سکینه و آرامش را بر زندگی انسان‌ها حاکم می‌کند و ریشه انواع نگرانی‌ها را می‌خشکاند؛ نگرانی از آینده، تنهایی، حوادث ناگوار، بیماری‌ها، جنگ‌ها، پیری و ناتوانی، ترس از دست دادن ثروت و مقام و زیبایی و جوانی و عزیزان، ترس از مرگ و غیره که هر کدام به‌تنهایی کافی است تا زندگی را به کام انسان زهرآلود نماید. همه این نگرانی‌ها، درمانی جز زیستن در پرتو ایمان و معنویت ندارد. (مکارم، ۱۳۸۰: ۲۵۲-۲۵۹؛ مکارم، ۱۳۹۳: ۶-۲۰؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۱۰: ۲۱۱-۲۱۴)

۳-۵. معناداری زندگی

سومین کارکرد سبک زندگی مؤمنانه، رهایی بخشیدن انسان از پوچی و بی‌معنایی است. در سبک‌های زندگی الحادی و مادی‌گرا، هدف معقولی برای زندگی بشر وجود ندارد؛ نه‌تنها زندگی انسان که هستی در کلیت آن فاقد معنی و هدف است. بر اساس این طرز تلقی اگر معنا و غایتی هم بتوان برای زندگی قائل شد، چیزی فراتر از خواب و خور و اشباع تمایلات شهوانی و دسترسی به یک زندگی مرفه و تجملی نخواهد بود. اموری که ممکن است افراد را چند روزی به خود مشغول و سرگرم کند؛ اما این اهداف کوچک نمی‌تواند به زندگی معنا ببخشد. لذا انسان مادی‌گرا که ایمان به مبدأ و معاد ندارد و مرگ را پایان هستی انسان تلقی می‌کند، زندگی را پوچ و بی‌هدف می‌بیند و گروهی از آن‌ها برای رهایی از چنین زندگی پوچ و بی‌معنی دست به انتحار و خودکشی می‌زنند. (مکارم، ۱۳۹۰: ۱۷-۲۰، مکارم، ۱۳۹۳: ۹؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۲۲: ۳۹۰-۳۹۱) اما اگر باور داشته باشیم که هستی در کلیت آن به‌سوی مقصدی در حرکت است و هدف از خلقت انسان آن است که به اوج تعالی و کمال برسد و اگر معتقد باشیم که دنیا «مزرعه‌ای» برای آخرت است؛ کشتزاری است که باید در آن کاشت و محصول آن را در یک زندگی جاویدان و ابدی برداشت کرد، در این صورت زندگی پوچ و نامفهوم نخواهد بود، بلکه مقدمه‌ای می‌شود برای یک زندگی ابدی که هرچه در راه آن تلاش کنیم، کم است. ایمان به خدا و معاد که زیربنای سبک زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهد، به زندگی انسان مفهوم می‌دهد و



او را از نگرانی و پوچی رها می‌سازد. (مکارم، ۱۳۹۰: ۲۰؛ مکارم، گفتار معصومین^(ع)، ۳: ۴۴)

۴-۵. همبستگی اجتماعی

دیگر کارکرد مهم سبک زندگی اسلامی تقویت وحدت و روح همبستگی در جامعه اسلامی است. سبک زندگی همان گونه که هویت جامعه اسلامی را از هویت‌های الحادی و سکولار متمایز می‌کند، در درون جامعه اسلامی باعث وحدت، یکرنگی و همدلی می‌شود؛ زیرا در سبک زندگی اسلامی کمتر گناهی به پایه ایجاد عداوت، تفرقه و پراکندگی می‌رسد، همان طوری که کمتر کار نیکی به پایه ایجاد الفت و همبستگی در میان مردم می‌رسد. (مکارم، ۱۳۸۰: ۱۴۳) اساس آموزه‌های اسلامی بر ایجاد پیوند و الفت و همبستگی استوار است. لذا حتی عبادات در اسلام شکل جمعی دارد. اصل در نماز، جماعت و نماز فرادای غیررسمی است. تمام اذکار در نماز جنبه جمعی دارد حتی اذان و اقامه‌اش و سوره حمد جمعی است و سلام نماز هم بر محور جماعت است. روح حج هم جماعت است. لذا هر چیزی که پیوند جامعه را محکم کند، مورد تأیید اسلام است و هر چه آن را سست کند مبعوض است. سخن چینی، غیبت و تهمت از صفات و عادات بسیار مذموم است؛ زیرا پیوندها را قطع می‌کند، اصلاح ذات بین، تعاون و همکاری، برآوردن حوائج مردم، محبوب است؛ زیرا باعث پیوند و الفت است. (مکارم، ۱۳۸۸، ۲: ۷۷)

۶. راهبردهای تحقق سبک زندگی اسلامی

۱-۶. توسعه آگاهی

نخستین گام در جهت عینی‌سازی سبک زندگی اسلامی، بالا بردن سطح آگاهی عمومی از آداب، هنجارها و اخلاق اسلامی است؛ زیرا افراد در صورتی می‌توانند راه و رسم صحیح را انتخاب کنند که شناخت درستی از «حق» و «باطل» و «صحیح» و «فاسد» داشته باشد. (مکارم، ۱۳۹۳: ۱۸۹) در قرآن کریم رابطه استوار آگاهی با سبک زندگی صحیح مکرراً مورد اشاره قرار گرفته و جهل به عنوان عامل بسیاری از



الگوهای غلط رفتاری بیان شده است. به عنوان نمونه، از جهل به عنوان «سرچشمه فساد و انحراف» (نمل: ۵۵)، «سبب بی بندوباری جنسی»، (یوسف: ۳۳)، «عامل حسادت» (یوسف: ۸۹)، «ریشه تعصب و لجابت» (فتح: ۲۶)، «عامل بهانه تراشی در پذیرش حق» (بقره: ۱۱۸)، «زمینه ساز سوءظن و بدبینی» (آل عمران: ۱۵۴)، منشأ بی ادبی» (حجرات: ۴)، «ریشه نفاق و پراکندگی» (حشر: ۱۴) یاد شده است. این تعابیر به خوبی رابطه علم و زندگی مبتنی بر فضیلت را از یک سو و جهل و شیوه های زندگی انحرافی را از سوی دیگر نشان می دهد. ناگفته پیداست که منظور از علم و آگاهی در اینجا، آگاهی بر فنون و صنایع نیست؛ زیرا بسیاری از کسانی که از این مسائل آگاهند و چه بسا زندگی آلوده تری دارند، بلکه منظور علم به روش های صحیح زندگی و تعلیمات الهی و مصالح و مفاسد معنوی است. (مکارم، ۱۳۷۷، ۱: ۱۷۶-۱۸۱)

۲-۶. بازسازی نظام ارزشی

محور هر جامعه ای معیارهای سنجش و نظام ارزشی آن جامعه است؛ زیرا تمام حرکت ها در زندگی فرد و جامعه از نظام ارزشی سرچشمه می گیرد و همان است که به جامعه شکل و جهت می دهد. اگر محور ارزشی جامعه ای جهت گیری مادی گرایانه داشته باشد، همه برنامه های آن جامعه حول همین محور دور می زند؛ تعلیم و تربیت، سازمان ها، کتاب ها، مطبوعات و رسانه ها، سینماها و مراکز هنری، میادین ورزشی و دیگر برنامه های آن جامعه سمت و سوی مادی گرایانه می گیرد. برعکس اگر نظام ارزشی جامعه ای مبتنی بر تقوا و معنویت باشد، همه برنامه های آن جامعه رنگ و بوی الهی می گیرد. (مکارم، ۱۳۹۳: ۲۴۵) نهادینه شدن نظام ارزشی فاسد و روی آوردن به آرمان های خیالی و بی اساس، کافی است که ملت را به تباهی بکشد؛ اما درک ارزش های واقعی و معیارهای راستین محکم ترین زیربنای سعادت یک جامعه است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۸: ۱۱۲) لذا تا نظام ارزشی یک جامعه اصلاح نشود آن جامعه هرگز روی سعادت را نخواهد دید. (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۱: ۸۷) کار مهم پیامبران الهی ایجاد تغییر در نظام ارزش ها بود. آن ها سعی می کردند معیار



سنگش خوب و بد مردم را عوض کنند و به آن‌ها سمت و سوی الهی بدهند. (مکارم، ۱۳۹۳: ۲۴۵)

۳-۶. اصلاح سبک زندگی نخبگان

هیچ جامعه‌ای اصلاح نخواهد شد مگر اینکه نخبگان آن جامعه اصلاح شوند. (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۴۹) مقصود از نخبگان افراد مهم و سرشناسی است که در صحنه‌های مهم اجتماعی حضور دارند و از توانایی تأثیرگذاری و هدایتگری و رهبری در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و غیره برخوردارند. شیوه زندگی این افراد تأثیر چشمگیری در سبک زندگی توده مردم دارند و افراد عادی معمولاً تلاش می‌کنند که از آن‌ها تقلید و الگوبرداری نمایند. بر همین اساس یکی از راهبرد مهم تحقق سبک زندگی اسلامی، آن است که روش زندگی سرآمدان جامعه اصلاح و با موازین سبک زندگی اسلامی هماهنگ گردد. قرآن کریم اهمیت این راهبرد اصلاحی را در داستان موسی به مؤمنان گوشزد می‌کند. اینکه موسی در درجه اول به سوی فرعون و ملأ او مبعوث می‌گردد، به خاطر آن است که طبق مثل معروف «همیشه آب را باید از سرچشمه صاف کرد»، مفسد اجتماعی و انحراف‌های محیط، تنها با اصلاحات موضعی چاره نخواهد شد، بلکه باید سردمداران جامعه و آن‌ها که نبض سیاست و اقتصاد و فرهنگ را در دست دارند در درجه اول اصلاح گردند، تا زمینه برای اصلاح بقیه فراهم گردد و این درسی است که قرآن به همه مسلمانان برای اصلاح جوامع اسلامی می‌دهد. (مکارم، ۱۳۷۴، ۶: ۲۸۰)

۴-۶. احیای امر به معروف و نهی از منکر

دوراهبردی اصلاحی مهم در اسلام وجود دارد که اجرای آن ضامن سلامت جامعه و سعادت مردم در تمام جهات زندگی است. این دو عبارتند از ارشاد ناآگاهان و امر به معروف و نهی از منکر. بدون شک پیاده کردن این دو برنامه اساسی که از وظایف انبیا و اولیا، بلکه به اعتباری از وظایف خداوند است، ثمرات و آثار بزرگی به دنبال خواهد داشت و جامعه را احیا و زنده می‌کند. (مکارم، ۱۳۹۳: ۱۱۳) جامعه‌ای که امر



به معروف و نهی از منکر در آن به فراموشی سپرده شود، افراد قدم به قدم به گناه و انحراف نزدیک می‌شوند؛ نخست نسبت به درست و نادرست بی تفاوت می‌شوند و برای آن‌ها گناه یا ثواب فرقی نمی‌کند، در مرحله دوم کم کم دعوت به گناه و نهی از خوبی‌ها می‌کنند و در نهایت کار به جایی می‌رسد که افراد توان تشخیص نیک و بد را از دست می‌دهند. معروف در نظر آن‌ها منکر و منکر در نظرشان معروف می‌شود و فضایل را گناه و رذایل را ثواب می‌پندارند. (مکارم، ۱۳۸۸، ۲: ۲۳-۲۵) به فرموده امام باقر^(ع)، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن‌ها برپا می‌شوند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۱۱۹) بر همین اساس، مهم‌ترین راهبرد در جهت تحقق سبک زندگی اسلامی احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است.

۵-۶. مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاعه سبک‌های زندگی فاسد، راهبردی اساسی دشمنان اسلام در جهت به انحطاط کشیدن جوامع اسلامی است. تهاجم فرهنگی دشمن که امروزه بی‌رحمانه عقاید و آداب و رسوم جوامع اسلامی را هدف قرار داده است، مانع اصلی در جهت تحقق سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم، ۱۳۹۳: ۲۱) اهمیت این مشکل زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم، دشمنان اسلام بیش از هر زمان دیگری وسایل کارآمد هجوم فرهنگی را در اختیار دارند. کانال‌های ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، ابزارهایی هستند که سبک‌های فاسد زندگی غربی را در درون خانه‌ها و خصوصی‌ترین حریم افراد اشاعه می‌دهد. بنابراین جهاد فرهنگی برای مقابله با هجوم فرهنگی دشمن، یک ضرورت حیاتی در جهت تحقق سبک زندگی اسلامی است و کوچک شمردن دشمن در عرصه فرهنگ، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. (مکارم، ۱۳۹۳: ۳۸) مقابله با جنگ فرهنگی دشمن، مستلزم آمادگی و برنامه‌ریزی دقیق و در عرصه‌های گوناگون است؛ اما آنچه در این جا به عنوان یک راهبرد کلی می‌توان به آن اشاره کرد، این است که بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام، تقویت نیروی دفاعی جامعه، یعنی گسترش و تعمیق ایمان و معنویت

و تقوی است. شاید نتوان تمام جامعه را از همه صفات رذیله و تهاجم ضد ارزشی دشمن پاک کرد؛ اما می‌توان تقوی را در درون تقویت نمود و با نیروی تقوی با آن مقابله کرد (مکارم، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

نتیجه‌گیری

ما در عصری به سر می‌بریم که ضرورت تبیین سبک زندگی اسلامی به شدت احساس می‌شود؛ زیرا در روزگار ما عوامل، زمینه‌ها و انگیزه‌های فساد و ابتذال از هر زمانی بیشتر است. در گذشته اگر ارتکاب اعمال غیراخلاقی هزینه‌های زیادی برای افراد داشت، در زمان ما در اثر پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، نظیر ماهواره‌ها و اینترنت، سبک‌های زندگی فاسد و غیراخلاقی به سهولت و بدون محدودیت اشاعه پیدا می‌کنند. پیشرفت علوم و فنون، هر چند سودمندی‌هایی برای بشر داشته؛ اما راه‌های انحراف و کج‌روی را نیز به مراتب گسترده‌تر از پیش نموده است. در چنین شرایطی توجه به صورت‌بندی سبک زندگی اسلامی از هر زمانی ضروری‌تر به نظر می‌رسد و اگر نسبت به آن کوتاهی شود بدون شک خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه اسلامی به بار خواهد آورد.

تبیین سبک زندگی مبتنی بر اخلاق و ارزش‌های الهی، تنها راه نجات و تعالی بشر است؛ زیرا در غیاب زندگی اخلاقی، جامعه انسانی به باغ وحشی تبدیل می‌شود که در آن نیروها به هدر خواهد رفت، استعدادها سرکوب خواهد شد، امنیت و آزادی بازیچه دست هوس‌بازان می‌گردد و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. به دلیل همین نقش اساسی سبک زندگی در سعادت و تباهی بشر است که قرآن کریم، ارائه الگوی صحیح زندگی را مهم‌ترین هدف انبیای الهی بیان می‌کند؛ زیرا بدون زندگی اخلاقی نه دنیای انسان سامان می‌گیرد و نه سعادت اخروی نصیب او خواهد شد. اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد. در غیر این صورت حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار انسانی، همه چیز را ویران می‌کند.



سبک زندگی نقش بنیادی در ایجاد تمدن اسلامی دارد؛ چرا که تمدن‌سازی فرایندی است که از تعاملات زندگی روزمره آغاز می‌شود و به تدریج شکل عینیت یافته‌ای پیدا می‌کند. بر همین اساس ضرورت دارد که تبیین، پایه‌ریزی و پایش سبک زندگی اسلامی با نگاه استراتژیک و بلندمدت و به صورت مستمر مورد توجه قرار گیرد. نگاهی مقطعی به سبک زندگی اسلامی آسیب جدی است؛ زیرا هم باعث اتلاف نیروها و منابع می‌گردد و هم تلاش‌های مقطعی نتایج مطلوبی به بار نخواهند آورد. با اندیشیدن و بازاندیشی مداوم در باب سبک زندگی اسلامی است که می‌توان تمدن پویا، خلاق و ماندگار تولید کرد.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی ابن محمد، (۱۴۰۹ق)، اسد الغابه، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۳. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۶)، مبانی سبک زندگی اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
۴. قمی، عباس (۱۴۰۲ق)، سفینه البحار، ج ۲، تهران: فراهانی.
۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، (ترجمه: ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷. _____، (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۸. _____، (۱۴۲۸)، دایره المعارف فقه مقارن، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۹. _____، (۱۳۸۹)، دایره المعارف فقه مقارن، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۱۰. _____، (۱۳۹۳)، راه غلبه بر نگرانیها و ناامیدها، قم: نسل جوان.
۱۱. _____، (۱۳۹۲)، آداب معاشرت در اسلام، قم: امام علی بن ابی طالب (ع).
۱۲. _____، (۱۳۸۰)، یکصد و پنجاه درس زندگی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، هفدهم.
۱۳. _____، (۱۳۹۰)، ده درس معادشناسی، قم: نسل جوان.



۱۴. _____، (۱۳۹۳)، یکصد و ده سرمشق از سخنان حضرت علی^(ع)، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ششم.
۱۵. _____، (۱۳۸۰)، زندگی در پرتو اخلاق، قم: سرور، سوم.
۱۶. _____، (۱۳۷۹)، عرفان اسلامی، ج ۳، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۱۷. _____، (۱۳۹۴)، مجموعه ارزشمند، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۱۸. _____، (۱۳۸۸)، قهرمان توحید، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۱۹. _____، (۱۳۹۴)، برگزیده پیام قرآن، ج ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۲۰. _____، (۱۳۷۵)، اعتقاد ما، قم: نسل جوان.
۲۱. _____، (۱۳۸۸)، احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب^(ع).
۲۲. _____، (۱۳۷۹)، رهبران بزرگ، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب^(ع).
۲۳. _____، (بی تا)، خطوط اساسی اقتصاد اسلامی، قم: انتشارات هدف.
۲۴. _____، (۱۳۸۸)، گفتار معصومین^(ع)، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب^(ع).
۲۵. _____، (۱۳۹۰)، ده درس معادشناسی، قم: نسل جوان.
۲۶. _____، (۱۳۹۴/۲/۱)، سخنرانی: در جمع رئیس و مدیران دانشگاه علوم پزشکی استان قم.
۲۷. _____، (۱۳۵/۷/۲۶)، جامعیت قرآن و نیازهای بشری، نشریه همشهری.
۲۸. _____، (۱۳۵۹/۳/۱۲)، انقلاب فرهنگی قلب انقلاب ماست، نشریه اطلاعات، شماره یا تاریخ.
۲۹. _____، (۱۳۹۷/۳/۸)، سخنرانی: در دیدار اعضای ستاد مردمی بزرگداشت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.



۳۰. _____، (۱۳۸۵/۲/۱۲)، سخنرانی: در دیدار رئیس و معاونین سازمان آموزش

و پرورش استان قم.

۳۱. _____، (۱۳۹۷/۳/۱۳)، سخنرانی: در پانزدهمین برنامه چشمه معرفت، شبکه

یک سیما.

۳۲. _____، (۱۳۹۷/۳/۸)، سخنرانی: در دیدار اعضای ستاد مردمی بزرگداشت

چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.

۳۳. _____، (۱۳۹۷/۳/۱۳)، سخنرانی: در پانزدهمین برنامه چشمه معرفت، شبکه

یک سیما.

۳۴. _____، (۱۳۹۷/۳/۸)، سخنرانی: در دیدار اعضای ستاد مردمی بزرگداشت

چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی.

۳۵. _____، گفتار معصومین^(ع)، ج ۳، بدون مشخصات نشر.

۳۶. _____، جامعه سالم در پرتو اخلاق، بدون مشخصات نشر

۳۷. _____، مفاهیم تحریف شده، بدون مشخصات نشر

۳۸. _____، استفتائات جدید، ج ۱، بدون مشخصات نشر

۳۹. _____، استفتائات جدید، ج ۳، بدون مشخصات نشر.

۴۰. _____، انوار هدایت، بدون مشخصات نشر